



## نقد و بررسی شبهات مربوط به ناسازگاری قاعده لطف با شئون و فوائد

### امام غائب

محمد رضانی<sup>۱</sup>، وحید فرهادی<sup>۲</sup>

**چکیده:** امامت یکی از اصول اعتقادی شیعه است که دارای مسائل مختلفی از جمله وجوب تعیین یا نصب امام است، متکلمان امامیه با ادله مختلف، قائل به وجوب عقلی نصب امام از طرف خداوند متعال هستند. از جمله این ادله قاعده لطف است. این دیدگاه در طول تاریخ و عصر حاضر توسط مخالفان شیعه مورد هجمه شبهات مختلف قرار گرفته است. از جمله آثاری که در این فضا، به طرح اشکالاتی در زمینه امامت، پرداخته است، کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد» تالیف آقای حجت الله نیکویی می باشد. بخشی از این شبهات مربوط به ناسازگاری قاعده لطف و شئون و فوائد امام (ع) در عصر غیبت است. در این مقاله با استفاده از روش عقلی-تحلیلی، ابتدا تقریر دلیل لطف برای اثبات ضرورت امامت بیان شده و سپس پنج شبهه مطرح شده درباره شئون و فوائد امام را پاسخ گفته‌ایم و اثبات کردیم که امام لطفی است که بر اساس حکمت الهی نصب او واجب است و غیبت امام، با لطف بودنش ناسازگار نیست و علی‌رغم محرومیت مردم از برکات حضور او، این مساله مانع بهره‌مندی ایشان از برکات وجودی امام در عصر غیبت نمی‌باشد؛ بلکه صرف وجود امام باعث ثبات و استقرار زمین است و ایشان باعث امنیت اهل زمین و واسطه فیض الهی است و انسان‌ها همانند خورشید پشت ابر از او بهره‌مند می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** امامت، ادله عقلی ضرورت نصب امام، قاعده لطف، شبهات شئون و فوائد امام.

\* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۳

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۴

۱. دانش آموخته سطح ۴ کلام اسلامی، قم، ایران. [ramezani.mohammad.1367@gmail.com](mailto:ramezani.mohammad.1367@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه قم، ایران، [vahidfarhadi6776@gmail.com](mailto:vahidfarhadi6776@gmail.com)

## مقدمه

نزاع بر سر جانشینی پیامبر گرامی اسلام (ص) از مهم‌ترین مباحث کلامی است. شیعه بر اساس ادله محکم، امامت را نه صرفاً به عنوان نظریه سیاسی، بلکه یکی از اصول اعتقادی می‌داند. این مسأله شامل مباحث فراوانی از جمله وجوب تعیین و یا نصب امام است.

اگر چه در اصل اعتقاد به وجوب امامت، غیر از نجدات (گروهی از خوارج)، اختلاف قلیل ملاحظه‌ای در میان فرق اسلامی وجود ندارد، ولی در مقام تبیین این ضرورت و بیان آنکه وجوب امامت، عقلی یا شرعی است و آیا تعیین امام توسط مردم، ضرورت دارد یا انتصاب او از جانب خدا ضروری است، اختلاف نظر وجود دارد.

متکلمان شیعه، امامت را استمرار نبوت دانسته و معتقدند همان دلایل عقلی که ضرورت بعثت پیامبران را اثبات می‌کند، ضرورت وجود امامان معصوم بعد از پیامبر اسلام (ص) را نیز اثبات می‌کنند. از این رو با دلایل مختلف، از جمله قاعده لطف، برهان نیاز شرع به مبین، برهان فیض، برهان هدایت عمومی، اتمام حجت و... به وجوب عقلی و «علی الله» قائل هستند.

دیدگاه امامیه، از دیرباز توسط مخالفان مورد هجومه اشکالات و شبهات بوده است؛ از جمله آثاری که در این فضا، به طرح اشکالاتی در زمینه امامت، پرداخته است، کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد» تألیف آقای حجت الله نیکویی می‌باشد. بخشی از این شبهات مربوط به ناسازگاری قاعده لطف و شئون و فوائد امام (ع) در عصر غیبت است. این شبهات در عصر حاضر با توجه به گسترش ارتباطات و فضای مجازی، به صورت گسترده‌ای در اختیار همگان قرار گرفته است؛ که پاسخ‌گویی به آن‌ها را ضرورت می‌بخشد؛ از این رو در این مقاله در صدد هستیم تا با روش عقلی-تحلیلی ابتدا به تقریر و تبیین دلیل لطف پرداخته و سپس مجموع چالش‌ها و شبهات این کتاب درباره شئون و فوائد امام (ع) در زمان غیبت را مطرح کرده و پاسخ‌گویی کنیم. هر چند برخی از اشکالات مطرح شده در این کتاب به صورت پراکنده و اجمالی در کتاب‌های گذشتگان پاسخ داده شده است (شیخ مفید، «النکت الاعتقادیة»؛ سید مرتضی، «الذخیره فی علم الکلام»؛ بحرانی، لبن میثم، «قواعد المرام فی علم الکلام»؛ علامه حلی، «کشف المراد فی شرح

ضرورت دارد و همچون نبوت فعل مستقیم خداوند متعال است.

بر اساس آنچه در کتاب‌های کلامی شیعه آمده است، می‌توان این دلیل را در قالب قیاس اقترانی شکل اول به صورت زیر تقریر کرد:

صغری: نصب امام لطف است.

کبری: لطف بر خداوند واجب است.

نتیجه: نصب امام بر خداوند واجب

است. (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۵، ص

۴۳۹؛ علامه مجلسی، بی تا، ۱، ۳۶؛

محمد حسین مظفر، ۱۴۲۲، ۴، ۲۰۶؛

محمد حسین آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۳،

74)

متکلمان امامیه در تبیین صغری

(لطف بودن امامت) سه روش را پیش

گرفته‌اند:

برخی از آن‌ها، لطف بودن امامت را نسبت به تکالیف عقلی تقریر کرده‌اند؛ ایشان در تبیین این مطلب گفته‌اند: «هر انسان عاقلی که با عرف و سیره عقلا آشنا باشد، به روشنی اذعان می‌کند که هر گاه در جامعه‌ای، رهبری با کفایت و تدبیر وجود داشته باشد که از ستم و تباهی جلوگیری کند، شرایط برای گسترش فضایل و ارزش‌ها فراهم‌تر است، و مردم از ستمگری و پلیدی دوری می‌گزینند و یا در اجتناب از پلیدی و تبهکاری، نسبت به وقتی که چنین رهبری در بین آنان نباشد، وضعیت مناسب‌تری دارند. پس امامت و رهبری، در حق مکلفان، لطف است؛ زیرا، آنان را به انجام دادن واجبات عقلی و ترک قیاح بر می‌انگیزد». (سید مرتضی، ۱۴۱۱، ۴۰۹-۴۱۰؛ همان

تجرید الاعتقاد)؛ فاضل مقداد، «اللوامع الالهیه»؛ اما پژوهش مستقلی درباره پاسخ به این کتاب، درباره موضوع فوق نگاشته نشده است.

### ۱. تقریر دلیل لطف بر ضرورت امامت

از جمله مهم‌ترین مبانی و قواعد استدلالی در کلام عدلیه، قاعده لطف است. مقصود از این قاعده، آن است که انجام فعلی به نام لطف بر خداوند متعال واجب بوده و خداوند سبحان در صورت قابلیت محل و مفقود بودن مانع هرگز آن را ترک نمی‌کند.

لطف به دو قسم «مقرّب» و «محصل» تقسیم شده است. متکلمان عدلیه در تعریف لطف مقرّب گفته‌اند: «چیزی

است که مکلف با آن، به طاعت نزدیک و از انجام معصیت دور می‌شود و به حد إلجاء نمی‌رسد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۳۵؛

سید مرتضی، ۱۴۱۱، ۱۸۶؛ بحرانی، ابن میثم، ۱۴۰۶، ۱۱۷؛ علامه حلی، ۱۳۸۲، ۱۰۶؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۲۲۷) و لطف

محصل را به «چیزی که با وجود آن، طاعت از مکلف با اختیار حاصل می‌شود» تعریف کرده‌اند. (ابن نویخت، ۱۴۱۳،

۵۵؛ علامه حلی، ۱۳۸۲، ۱۰۷) متکلمان امامیه، بر این باورند که مساله امامت، همانند نبوت، از مصادیق لطف است و از آنجا که لطف، واجب است، امامت نیز

۱۴۱۰، ۱: ۶۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۶، ۲۹۷؛ حلبی،  
 (۱۷۰، ۱۴۰۴)

(۱) برخی دیگر، برهان لطف را با توجه به تکالیف شرعی برای وجوب امامت تبیین کرده و گفته‌اند: «زمانی که مکلفین رئیس عادل توانایی داشته باشند، نسبت به انجام واجبات نزدیک شده و نسبت به انجام معاصی دور می‌شوند و اگر چنین نباشد امور بر عکس خواهد شد و این مساله برای هر عاقلی بالتجربه بدیهی و روشن است و لطف هم معنایی جز تقرب به طاعت و دوری از معصیت ندارد». (بحرانی، ۱۴۰۶، ۱۷۵)

(۲) گروه سوم از متکلمان امامیه، بدون این که از تکلیف عقلی یا شرعی سخنی به میان آورند، به تبیین لطف بودن وجود امام و رهبر عادل و با کفایت پرداخته‌اند و یاد آور شده‌اند که وجود چنین پیشوایی، در جامعه بشری، نقشی مؤثر و تعیین کننده در گسترش خیر و صلاح دارد، چنان که نبود چنین پیشوایی، زمینه ساز گسترش فساد و تباهی در جوامع بشری خواهد بود. (حلبی، ۱۴۰۴، ۹۵؛ حمصی، ۱۴۱۲، ۲)

۲۴۰؛ علامه حلی در «کشف المراد»،  
 ۱۳۸۲، و فاضل مقداد در «ارشاد  
 الطالبین»<sup>۱</sup>

بنا بر آنچه که گفته شد، امامت بر هر دو قسم لطف، قابل تطبیق است؛ زیرا، چنان که گفته شد، لطف مقرب، آن چیزی است که انسان بواسطه آن به طاعت نزدیک شده و از گناه دور شود؛ از این رو بنا بر آنچه، از تقریرات متکلمین بیان شد، بدیهی است که امامت از مصادیق لطف مقرب است و از آنجا که لطف محصل در صورتی تحقق پیدا می‌کند که مکلف به وظیفه خود عمل نماید، اگر مکلف نسبت به آنچه امام به آن دعوت می‌کند، مطیع باشد، امامت برای او لطف محصل خواهد بود و در صورتی که مکلف از ایشان تبعیت نکند امامت در حق او، تنها لطف مقرب خواهد بود.

## ۲. پاسخ به شبهات دلیل لطف

بر اساس مطالب مذکور، روشن شد که نصب امام از طرف خداوند حکیم ضروری است؛ اما، همان‌طور که گفته شد، اشکالات و شبهات مختلفی از سوی مخالفان شیعه درباره ادله عقلی ضرورت نصب امام از جمله قاعده لطف مطرح

<sup>۱</sup> آدرس یابی شود

دیرباز توسط مخالفان، درباره ضرورت امامت و قاعده لطف مطرح شده است. (عبدالجبّار معتزلی، ۱۴۲۲، ۷۵۱؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۲۴۰؛ همو، ۱۴۰۷، ۹۸؛ رازی، ۱۹۸۶، ۲: ۲۶۰؛ ایجی، ۱۳۲۵، ۸: ۳۴۸) که می‌تواند چند پاسخ داشته باشد:

پاسخ اول اینکه آنچه به عنوان لطف بر خداوند واجب است، نصب و تکلیف او بر امامت است که خداوند انجام داده است و همانا کوتاهی در این واجب از طرف رعیت صورت گرفته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۴۵). سید مرتضی در مقام تطبیق قاعده لطف با غیبت حضرت مهدی (عج) می‌گوید: «خداوند متعال امام زمان (ع) را خلق کرده است و بر امامت ایشان از طریق نص تصریح کرده است و با ادله قطعی بر اسم و نسب او راهنمایی نموده است و ما را بر اطاعت او تشویق کرده است و نسبت به معصیت او وعید داده است و این ما هستیم که او را یاری نکرده‌ایم. در نتیجه آنچه باعث محرومیت ما از امام شده است افعال خودمان است که امام را تمکین نکرده و ولایت او را نمی‌پذیریم و اوامر او را اطاعت نمی‌کنیم و تا زمانی که ما امام را یاری نکنیم و باعث خوف او شویم، و موجب استتار او گردیم،

شده است که امروزه به شکل‌های مختلف در اختیار مردم قرار می‌گیرد که پاسخ‌گویی به آنها را ضروری می‌نماید؛ از این رو در ذیل به شبهاتی که درباره ناسازگاری قاعده لطف با فوائد و شئون امامت در کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد» مطرح شده است، پاسخ داده می‌شود.

### ۱-۲. ناسازگاری وجوب لطف با غیبت امام

از جمله شبهاتی که درباره شئون و فوائد امام غائب ذکر شده است، ناسازگاری وجوب لطف با غیبت امام است که شبهه‌کننده آن را به این شکل مطرح کرده است: «اگر نصب امام لطف و لطف بر خدا واجب است، پس چرا از هزار و دویست سال پیش تاکنون، این لطف از انسان‌ها دریغ شده است». (نیکویی، بی‌تا، ۲۷-۲۸) وی در توضیح اشکال مذکور، گفته است: «اگر بنا بر قاعده لطف و حکمت، وجود امامان معصوم بعد از پیامبر (ص)، ضرورت داشته باشد، دیگر هیچ عاملی و هیچ حکمتی نمی‌تواند باعث غیبت طولانی امام معصوم شود. به عبارت دیگر، سخن در این نیست که چه عاملی باعث غیبت امام شد. سخن در این است که بر طبق ادله ضرورت امامت غیبت، امری محال می‌شود». (همان، ۳۰)

### پاسخ

این اشکال از مهم‌ترین شبهاتی است که از

عدم انتفاع از امام منسوب به ما است و سنگینی گناه آن بر عهده ما است زیرا در صورتی که ما اراده می‌کردیم زمینه را برای حضور و تصرف او آماده می‌کردیم» (سیدمرتضی، ۱۴۱۱، ۴۱۵-۴۱۷).

به عبارت دیگر لطف در مساله امامت در واقع از سه لطف تشکیل می‌شود که عبارتند از:

- ۱) لطفی که فعل خداوند است که عبارت است از خلق کردن امام و نصب او؛
- ۲) لطفی که فعل امام است که عبارت است از پذیرفتن امامت توسط امام؛
- ۳) لطفی که فعل مکلفان است و آن عبارت است از اینکه ایشان امام را قبول کنند و از ایشان اطاعت کرد و یاری گر او باشند. در ما نحن فیه آنچه مربوط به خداوند و امام بوده است انجام پذیرفته است و این مردم هستند که در پذیرش و یاری امام کوتاهی کرده‌اند.

بنابراین، با توجه به اینکه خداوند حکیم است و کار قبیح انجام نمی‌دهد و از طرفی امام، معصوم است اخلال به واجب نمی‌کند پس غیبت امام بخاطر زیادی دشمنان و کافران و کمبود یاری کنندگان است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ۲۵۰؛ همو،

۱۴۲۵، ۸)، به تعبیر دیگر وجود امام و تصرف ایشان، دو لطف مستقل است و عدم ظهور او از ناحیه ما است (خواجه طوسی، ۱۴۰۷، ۲۲۱). و خللی در لطف بودن اصل وجود او ایجاد نمی‌کند.

پاسخ دوم آنکه منشأ شبهه مذکور، عدم درک معنای حقیقی امامت است، چرا که امام همانگونه که وظیفه راهنمایی ظاهری مردم به سوی معارف را بر عهده دارد، ولایت و رهبری باطنی مردم هم بر عهده او است که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند، بدیهی است که حضور و غیبت جسمانی امام در این باب تأثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد، اگرچه از چشم جسمانی ایشان مستور است از این رو وجودش پیوسته لازم است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۳۶).

پاسخ سوم این است که لطف می‌تواند به صورت مباحثی و غیر مباحثی باشد به این صورت که گاهی تصرف رهبران در امور اجتماعی به شکل مستقیم و گاهی غیر مستقیم و توسط نایب آنها انجام می‌گیرد، از آنجا که اینگونه نیست که در حالت غیر مستقیم جامعه رها شده باشد و در این حالت هم منافی برای مردم

قابل اثبات است، از این رو لطف بودن امام در زمان غیبت هم قابل تحقق است. (الهی نژاد، ۱۳۸۸، ۱۱۵).

پاسخ چهارم، علاوه بر پاسخ‌های گفته شده مواردی که در زمان غیبت می‌توانند لطف بودن امام را اثبات کنند عبارتند از: ۱. اصل وجود امام برای مردم لطف است؛ زیرا با حس وجود رهبر و ناظر بودن او، نوعی مصونیت در عمل برای انسان پیدا می‌شود. ۲. هدایت‌گری امام زمان (ع) و نظارت و اشراف آن حضرت بر کارها و امور اجتماعی مردم در قالب تعیین نایبان عام و خاص به نوعی لطف بودن حضرت را ثابت می‌کند. ۳. با مفتوح بودن باب ملاقات، همه دوستداران رویت حضرت، تلاش می‌کنند تا برای ملاقات، به خصال اخلاقی و ایمانی مزین شوند و این خود لطف بودن حضرت را می‌رساند. نفس ملاقات و بهره‌مندی از وجود پرفیض امام زمان (ع) نیز لطف دیگری به حساب می‌آید. (همان، ۱۱۶)

از آنچه گفته شد روشن می‌شود، لطف بودن امام، در دو مقام ثبوت و اثبات مطرح است؛ در مقام ثبوت، اراده الهی بدان تعلق گرفته که امامی به مردم معرفی شود؛ اما در مقام اثبات، دو مساله مطرح است: اول قبول این تکلیف و رسالت از

طرف امام و دوم، پذیرش امام از جانب مردم. با توجه به عصمت امام، در پذیرش این مسئولیت از طرف ایشان، هیچ تردیدی وجود ندارد که در صورت آمادگی و پذیرش مردم، تمام امور زندگی انسان‌ها را به دست می‌گیرد و آنها را به خیر و صلاح راهنمایی می‌کند و در صورت عدم پذیرش مردم، به لطف بودن امام لطمه‌ای وارد نمی‌شود بلکه صرفاً مردم از مواهب امام ظاهر بی‌بهره می‌شوند. و از سوی دیگر، چنین نیست که وجود امام هرچند غایب، به هیچ وجه، در حق مکلفان لطف نباشد، زیرا، لطف بودن امام منحصر در راهنمایی ظاهری نیست، امام می‌تواند علاوه بر هدایت ظاهری، هدایت باطنی هم داشته باشد، از طرفی، لطف منحصر در فعل مستقیم و مباشر نیست بلکه می‌تواند به صورت غیر مستقیم باشد بنابراین لطف بودن امام، تعارضی با غیبت امام ندارد و اعتقاد به این که امام اگر چه غایب است، ولی از گفتار و رفتار مردم آگاه است می‌تواند نقش مؤثری در گرایش انسان‌ها به سوی فضیلت و معنویت و دوری از تباهی و معصیت داشته باشد.

## ۲-۲. لطف نبودن صرف وجود امام

دومین شبهه‌ای که به عنوان اشکال بر شئون و فوائد امام غائب آمده است، شبهه لطف نبودن صرف وجود امام است که مصنف

کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد»، به شکل زیر آن را مطرح کرده است: «به چه دلیل صرف وجود امام معصوم لطف است؟ حتی اگر غایب باشد و مردم هیچ گونه دسترسی به او نداشته باشند و او نیز نتواند تصرفی در امور بکند؟ در چنین حالتی چگونه می‌تواند عاملی مؤثر در رسیدن انسان‌ها به هدف آفرینش باشد؟ به عبارت دیگر، اگر وجود امام معصوم، لطف باشد، به خاطر انجام وظایفی است که بر عهده دارد، اما اگر در اثر غایب بودن، قادر به انجام هیچ یک از این وظایف نباشد، چگونه می‌توان وجود او را لطف دانست در حالی که با عدمش فرقی ندارد؟». (نکوئی، بی‌تا، ۲۸-۲۹)

#### پاسخ:

این اشکال نیز، برای اولین بار از طرف نویسنده کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد» مطرح نشده است، بلکه همانند اشکالات قبلی در کتاب‌های قدیم اهل سنت مطرح شده است و از سوی متکلمان امامیه پاسخ داده شده است. تفتازانی بعد از نقل روایتی از امیرالمؤمنین (ع) به عنوان پاسخ شیعه به اشکال قبل، این اشکال را به صورت زیر مطرح کرده است: «این پاسخ مردود است؛ چرا که ما قبول نداریم وجود امام بدون تصرف لطف باشد». (تفتازانی،

۱۴۰۹، ۵: ۲۴۲) و ایچی نیز این اشکال را با همین عبارات در کتاب خود آورده است. (ایچی، ۱۳۲۵، ۸: ۳۴۸)

با توجه به آنچه در پاسخ شبهه قبل بیان شد، جواب این اشکال نیز روشن می‌شود؛ زیرا بر اساس دیدگاه امامیه، وظایف امام محدود به ریاست عامه و تبیین معارف دینی و احکام الهی نیست؛ بلکه امام دارای شوون گوناگون و آثار و برکات بسیاری است که برخی از آن‌ها به اصل وجود ایشان مرتبط است و غیبت امام مانع تحقق و جریان آن‌ها نیست و برخی دیگر در پرتو ظهور و ارتباط مستقیم ایشان با مردم تبلور می‌یابد.

برخی از جهات لطف بودن صرف وجود امام را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

۱. یکی از وظایف اصلی امام حفظ شریعت از زیادت و نقصان است (علامه حلی، ۱۳۸۲، ۱۸۲)؛ و برای اینکه مؤمنین اطمینان به آموزه‌های دینی پیدا کنند و بدان عمل کنند احتیاجی به حضور و ظهور امام نیست؛ بلکه، همین که دینداران بدانند امامی وجود دارد که در صورت مشاهده انحراف عمیق در دین، مردم را به نوعی



- د. واسطه فیض بودن، انسان کامل بودن و علت غایبی بودن امام برای خلقت موجودات از جمله شئون و ویژگی‌هایی است که بر صرف وجود ایشان، مترتب است و ظاهر و غایب بودن امام در آنها مدخلیتی ندارد. (خرازی، ۱۴۱۷، ۲: ۱۵۳-۱۵۲)
- ه. از جمله الطاف وجودی امام، اتمام حجت بر بندگان است. (سید مرتضی، ۱۴۱۹، ۵۶).
- و. هدایت باطنی یکی از شئون امام است که نیاز به ظهور ایشان ندارد و با صرف وجود او محقق می‌شود چنانکه در پاسخ به اشکال قبل، کلام علامه طباطبایی (ره) در این رابطه نقل گردید. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۳۶).
- ز. درست است که در زمان غیبت عموم مردم، از دسترسی به امام محروم هستند؛ ولی، این به معنای عدم دسترسی خواص نیست؛ بلکه، برخی روایات و وقایع تاریخی بر این معنا دلالت دارند که صالحانی از مؤمنین و علما توفیق تشریف به محضر امام زمان (عج) را داشته‌اند؛ از این رو، مردم به واسطه ایشان نیز از وجود امام بهره‌مند
- ب. راه صحیح رهنمون می‌شود، با اطمینان به آموزه‌های دینی عمل می‌کنند؛ همانطور که ائمه (ع) دیگر متصرف در امور نبوده‌اند؛ اما، حدود و احکام الهی را بیان می‌نمودند.
- ب. بر اساس اعتقاد امامیه، امام زمان (ع) پیوسته، مراقب اوضاع پیروان خویش است و بر اساس الهام خدایی، از اوضاع آنان آگاه است؛ این تفکر سبب می‌شود همه پیروان، پیوسته در حالت آمادگی باشند و در کارهایشان بیشتر توجه داشته باشند؛ این تفکر، ایشان را به سمت صلاح و اصلاح و طاعت، نزدیک و از معاصی دور می‌کند و لطف بزرگی در حق ایشان است. (حلبی، ۱۴۰۴، ۴۴۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹، ۱۹۰؛ لاهیجی، ۱۳۷۲، ۱۰۹؛ سبحانی، ۱۳۸۶، ۲۶۶)
- ج. وجه دیگر لطف بودن صرف وجود امام این است که بدون تردید، تصرف امام لطف است و این تصرف در صورتی حاصل می‌شود که امام وجود داشته باشد، در نتیجه اصل وجود امام، از باب مقدمه واجب، لطف است. (علامه حلی، ۱۳۸۲، ۱۸۲)

### ۳-۲. عدم فایده امام غائب برای مردم

یکی دیگر از شبهه‌هایی که درباره شئون و فوائد امام غایب مطرح شده است شبهه عدم فایده امام غائب برای مردم است. شبهه‌کننده در این شبهه در صدد برآمده تا امام غائب را بی فایده معرفی کند و از این طریق لطف بودن او را زیر سوال ببرد از این رو می‌گوید: «در صورت شهادت امام دوازدهم، مردم آینده از کدام نعمت محروم می‌شدند که حالا با غیبت امام و نجات او از شهادت، از آن نعمت برخوردارند؟ امامی که غایب است، چگونه می‌تواند برای مردم نعمت محسوب شود؟ فایده وجود او چیست؟». (نیکوئی، بی تا، ۳۵)

#### پاسخ:

با توجه به آنچه در پاسخ به اشکال اول و دوم بیان شد، جواب این شبهه نیز روشن می‌شود؛ زیرا چنان که گفته شد بر اساس نگاه برخواسته از براهین عقلی و نقلی، آثار وجود امام را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ا. آثاری که بر اصل وجود امام در عالم هستی مترتب می‌شود (چه امام ظاهر و چه غایب باشد)؛
- ب. آثاری که بر افعال امام مترتب می‌شود (چه امام ظاهر و چه غایب باشد)؛

می‌شوند (حلی، ۱۴۰۴، ۴۴۴؛ سید مرتضی، ۱۴۱۹، ۵۵)؛

ح. یکی دیگر از الطاف وجود امام، این است که بر اساس محاسبات عقلی و تجربه‌های اجتماعی، اعتقاد به وجود پیشوای زنده، اثر ژرفی در حفظ نظام و بقای رسالت دارد، به این صورت که امام هر چند در ظاهر، رهبری را در دست نداشته باشد، با وجود او تشکیلات و سازمان‌ها سر پا می‌ماند. (سبحانی، ۱۳۸۶، ۲۶۴-۲۶۵)

بنابراین، غیبت، به معنای عدم وجود نیست، بلکه به معنای عدم ظهور عمومی برای همگان است؛ از این رو لطف بودن وجود امام محدود در تصرف و تشکیل حکومت نیست؛ بلکه بسیاری از برکات امام مترتب بر صرف وجود حضرت است. علاوه بر اینکه، آنچه در بالا ذکر شد، تنها نمونه کوچکی از برکات وجودی امام است که با آنچه در برخی روایات و ادعیه مثل زیارت جامعه کبیره بیان شده است قابل مقایسه نیست. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، صص ۱۹۸-۱۷۷؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، صص ۱۴۰-۱۳۸؛ ابن بابویه، م ۱۳۹۵، ۱، ۲۰۱-۲۱۰).

ج. آثاری که بر وجود امام ظاهر مترتب می شود.

آماده نبودن شرایط برای ظهور امام و تحقق برخی از آثار و برکات، امام را از انجام سایر وظایف و آثارش باز نمی دارد. در گذشته به برخی از برکات وجودی امام اشاره کردیم که اغلب آثاری بودند که اندیشمندان از طریق عقلی بر آنها استدلال کرده اند؛ ولی باید دانست که آثار وجودی امام محدود به موارد مذکور نیست و عقل انسان از درک تمام ابعاد و آثار امام عاجز است و برای پی بردن به آنها ناگزیر باید از نقل کمک گرفت؛ از این رو به برخی از آثار مذکور در روایات اشاره می شود، تا روشن گردد در صورت شهادت امام زمان (عج) بشریت از چه برکاتی محروم می شدند.

**دوام عالم، وابسته به وجود امام:** یکی از مهم ترین برکاتی که بر وجود امام (ع) مترتب است، بقاء و استمرار نظام خلقت به سبب او است. در منابع روایی، بابی تحت عنوان «بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ» آمده است که روایات مختلفی در این باره وارد شده است. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲۰۱-۱۹۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، «بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ»، ۱۷۹-۱۷۸)

أ. امام، واسطه فیض الهی: اثر دیگری که بر وجود امام مترتب است، این است که ایشان، واسطه فیض خداوند

بر مخلوقات است و فیض الهی، به واسطه ایشان بر عالمیان نازل می شود. در زیارت جامعه کبیره در توصیف این اثر، آمده است: «خدا با شما آغاز کرد و با شما ختم می کند و به خاطر شما باران فرو می ریزد، و تنها برای شما آسمان را از این که بر زمین فرو افتد نگاه می دارد». (علامه مجلسی، ۱۴۲۳، ۳۰۰)

ب. دفع بلا: هم چنانکه خداوند متعال، به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «و خداوند، آنان را عذاب نمی کند؛ در حالی که تو میانشان هستی». (انفال: ۸، آیه ۳۳) پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز درباره اهل بیت (ع) فرمودند: «خداوند، ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داد و اهل بیت را امان برای اهل زمین» (علی ابن ابراهیم، ۱۳۶۳، ۲: ۸۸). همچنین شیخ طوسی در کتاب «الغیبة» از حضرت حجت (عج) نقل کرده است که فرمود: «من خاتم اوصیاء هستم و خداوند به وسیله من بلاء و مصیبت را از خانواده و شیعیانم رفع می کند». (طوسی، ۱۴۲۵، ۲۴۶)

روشن است که آثار و برکات وجود

مردم باشد و جلوی تحریف حقایق دینی را بگیرد؟ آیا می‌تواند نیازهای هر زمان را مشخص و مردم را بسوی خدا و آیین پیامبران دعوت کند؟ پاسخ این سؤالات به وضوح روشن است. پس دیگر قیاس او با خورشید پشت ابر، چه محملی دارد؟».

(نیکوئی، بی تا، ۳۷)

### پاسخ

تشبیه، یکی از صناعات بلاغی است که در آن گوینده، بر اساس اغراض گوناگون، بین دو چیز، همانندی ایجاد می‌کنند. تشبیه امام غائب به آفتاب پشت ابر، برای اولین بار توسط نبی مکرم اسلام (ص) مطرح شده است؛ هنگامی که ایشان خبر از خلفاء بعد از خود داد و تک تک ایشان را نام برد، و در مورد غیبت آخرین ایشان صحبت فرمود، یکی از اصحاب (جابر ابن عبدالله انصاری) درباره چگونگی بهرمندی شیعیان، از ایشان در دوران غیبت سوال کرد، پیامبر (ص) در پاسخ، امام را به آفتاب پشت ابر تشبیه کردند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱: ۲۵۳) این تشبیه توسط ائمه (ع) نیز تکرار شد (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۸۶) و در نهایت از خود امام زمان (عج) نقل شده که فرمود: «کیفیت بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبتم، همانند بهره‌مند شدن از آفتاب است، هنگامی که پشت ابر

امام، بسیار بیش از آن است که در این گفتار بگنجد؛ از این رو، در اینجا به علت رعایت اختصار از ذکر آنها اجتناب می‌شود، که محققین می‌توانند به کتاب‌های مفصل در این باره مراجعه کنند.

### ۴-۲. عدم صحت تشبیه امام غائب به خورشید

#### پشت ابر

یکی دیگر از شبهاتی که درباره شئون و فوائد امام غائب توسط نویسنده کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد» مطرح شده است، عدم صحت تشبیه امام غائب به خورشید پشت ابر است. او در تقریر این شبهه می‌گوید: «توجهاتی از این دسته که فایده وجود امام در زمان غیبت، مانند فایده خورشید در پشت ابر است، ناشی از قیاسی مع الفارق است. ضرورت وجود خورشید به خاطر گرما و نوری است که از آن به طبیعت کره زمین می‌رسد و چون ابرها نمی‌توانند جلوی نور و حرارت آن را بطور کامل بگیرند، قرار گرفتن خورشید در پشت ابرها - آن هم به مدت کوتاه و موقت نه هزاران سال! - با فلسفه وجودی خورشید منافاتی ندارد. اما بر طبق ادله‌ای که آمد، نیاز ضروری انسان‌ها به هدایت و راهنمایی بسوی سعادت و کمال، نصب امامان معصوم را ایجاب می‌کرد. حال لیا امامی که غایب است می‌تواند راهنما و هدایتگر

از دیدگان پنهان می‌شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ۲: ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۷۱).

نا گفته پیدا است غرض از تشبیه انتفاع مردم از امام غائب، به بهره مندی از آفتاب پشت ابر، از باب تشبیه معقول به محسوس است، تا اهمیت امام در جامعه بیشتر روشن شود و دانسته شود، همان گونه که پشت ابر بودن آفتاب باعث عدم بهره‌مندی مردم از منافع آن نمی‌شود، با غیبت امام نیز برکات وجودی ایشان از بین نمی‌رود؛ اگر چه پدیده غیبت، موجب عدم بهره‌مندی عامه‌ی مردم از درک حضور امام می‌شود، ولی از برکات وجودی او بهره‌مند می‌شوند. وجوه شباهت بسیاری بین امام غائب و خورشید پس ابر گفته شده است تا جایی که برخی، چهل شباهت بین آنها ذکر کرده‌اند (ر.ک: حسینی، چهل شباهت امام معصوم با خورشید) از آنجا که در متن شبهه، ادعا شده، تشبیه امام غائب به خورشید پشت ابر، از باب قیاس مع الفارق است، به برخی از وجوه شباهت آفتاب و امام اشاره می‌شود، تا حکیمانه بودن این تشبیه روشن گردد.

۱) خاموشی و عدم پرتو افکنی آفتاب، باعث ظلمت و سردی زمین می‌شود و حیات را در زمین به خطر انداخته

و غیر ممکن می‌کند؛ همچنین اگر امام و حجت خدا بر روی زمین نباشد، حیات معنوی و مادی انسان‌ها نابود می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۳۸) (۲) همان گونه که فایده خورشید، منحصر در تابش مستقیم بر منظومه شمسی نیست؛ بلکه، اگر چه پشت ابر باشد و نورافشانی مستقیم نداشته باشد، جاذبه‌اش باعث حفظ زمین، حرارتش سبب گرمی آن و رویدن و رشد گیاهان و حیات حیوانات می‌شود و صدها و بلکه هزاران فایده پیدا و پنهان دیگر بر آن مترتب است؛ همچنین غیبت امام عصر (ع) هر چند ممکن است انسان‌ها را از درک فیض حضور او محروم کند، ولی این به معنای محروم شدن از تمام آثار و برکات امام نیست. (همان، ۱۳۶؛ صمدی، ۱۳۹۷، ۱۶۷). همان طور که قبلا بیان شد، وجود امام عصر (ع) دارای فوائد بی شماری است و منحصر کردن وظایف امام به تصرف ظاهری، تشکیل حکومت، راهنمایی و هدایت‌گری مردم، و جلوگیری از تحریف حقایق دینی، در اثر نا آگاهی از جایگاه و مقام امام در

مانده و به برکت او مخلوقات روزی  
می خورند و به وجود او زمین و آسمان  
پا بر جا مانده». (مجلسی، ۱۴۲۳،  
۴۲۳)

(۷) همانطور که بخشی از نور آفتاب در  
شب از طریق ماه بر زمین منعکس  
می شود، در دوران پنهان زیستی و  
غیبت امام زمان (ع) نیز علوم و  
معارف امام عصر (ع) از طریق نائبان  
عام ایشان یعنی عالمان دین به مردم  
می رسد. (قربانی، ۱۴۳۱، ۴)

بنابراین بدون شك اگر بین زمین و  
خورشید حجابی مثل ابر نباشد، مقدار  
استفاده موجودات، بیش از زمانی است که  
حائلی در بین است؛ ولی وجود مانع،  
سبب از بین رفتن همه کارکردهای آفتاب  
نمی شود؛ بلکه، علی رغم وجود حائل  
موجودات عالم، از خورشید استفاده  
می کنند. همین مساله درباره امام غائب نیز  
صادق است؛ بدین معنا که درست است  
که غیبت و پنهان زیستی امام باعث محروم  
شدن از برخی برکات امام می شود، ولی  
محرومیت از برخی برکات به معنای عدم  
بهره مندی از همه آثار نیست و همانطور که  
در بالا بیان شد، در دوران غیبت، مردم از  
راه های مختلف می توانند به راهنمایی و

هستی یا در اثر لجاجت و دشمنی با  
او است.

(۳) پوشش خورشید توسط ابر همیشگی  
نیست و بالاخره پرده کنار می رود و  
خورشید از پس ابر بیرون می آید؛  
همچنین غیبت امام (ع) همیشگی  
نیست؛ بلکه روزی ابرهای ظلمت  
کنار می رود و امام (ع) از پس پرده  
غیبت بیرون می آید و مردم از حضور  
او بی واسطه بهره مند  
می شوند. (کهرمی، ۱۳۹۴، ۲۱۵)

(۴) سود بردن هر کس از آفتاب به اندازه  
روزنه و پنجره ای است که رو به آفتاب  
باز می کند و هر چقدر این روزنه و  
شکاف بزرگ تر باشد بهره مندی از  
فوائد خورشید، بیشتر خواهد بود؛  
همچنین استفاده از برکات و آثار  
وجود امام به اندازه شناخت آن ها از  
امام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸،  
۱۳۷)

(۵) خورشید، مدار و مرکز منظومه  
شمسی است و امام زمان (ع) هم  
قطب عالم امکان است. (همان،  
۱۳۸)

(۶) چنانکه در دعای عدیله می فرماید:  
«مايه امیدی که به بقای او دنیا باقی

ارشاد مردم پردازد و از تحریف دین و شریعت جلوگیری کند.

## ۲-۵. اثبات ناپذیری فوائد صرف وجود امام غائب

پنجمین شبهه‌ای که درباره شئون و فوائد امام غائب در کتاب «تئوری امامت در ترازوی نقد» مطرح شده است، اثبات ناپذیری فوائد صرف وجود امام غائب است. نویسنده کتاب مذکور در تقریر این شبهه می‌گوید: «اگر در جواب از سوال قبلی گفته شود: فایده وجودی امام معصوم، فواید تکوینی است و برای تحقق این فواید، نیازی به حضور امام نیست (بلکه وجود او کافی است). مثلاً وجود امام معصوم، واسطه فیض الهی است (همان) و اگر امام معصوم نباشد، زمین اهلش را فرو می‌برد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۴۱۷) و... و گاهی نیز وقوع برخی حوادث مانند: واقعه طبس را به دخالت امام زمان (عج) و عنایت او به مردم ایران نسبت می‌دهند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ۴۱۷) ولی در مورد همه اینها سخن ما این است که، هیچ کدام از این ادعاها، قابل اثبات نیست؛ چگونه ثابت می‌کنید که وجود امام، واسطه فیض الهی است؟ چگونه اثبات می‌کنید واقعه طبس معلول تصرفات تکوینی امام دوازدهم بوده است نه (به عنوان مثال) دخالت شوروی سابق؟». (نیکویی، بی‌تا،

(۳۴)

## پاسخ

نویسنده کتاب مذکور در این شبهه با گزینش بخشی از فوائد وجودی امام غائب (فوائد تکوینی)، مدعی است این فوائد قابل اثبات نیست. و هدف او از ذکر این شبهه، اثبات عدم ضرورت امام غایب است به این صورت که چون امام در حال غیبت است، فایده‌ای برای تشریح و حفظ و تبیین شریعت ندارد و فوائد تکوینی گفته شده نیز قبل اثبات نیستند در نتیجه وجود امام در عصر غیبت لطف محسوب نمی‌شود و ضرورتی ندارد. در حالی که وجود امام غائب، علاوه بر فوائد تکوینی دارای فوائد تشریحی مختلفی است.

درباره ادعای اثبات ناپذیری فوائد تکوینی امام ذکر این نکته ضروری است که برای اثبات گزاره‌های مختلف راه‌های متفاوت و گاه گوناگون وجود دارد. هر گزاره‌ای بر اساس اینکه در چه حوزه‌ای از علوم جای دارد، ممکن است روش خاصی برای اثبات داشته باشد. از این رو، روش اثبات گزاره‌های تجربی با روش اثبات گزاره‌های ریاضی یا فلسفی تفاوت دارد و اثبات این گزاره‌ها با روش اثبات گزاره‌های نقلی و روایی متفاوت است. اثبات پذیري یا اثبات ناپذیری گزاره‌های مختلف، توسط متخصصان آن حوزه تعیین می‌گردد. بر این

اساس، ادعای قابل اثبات نبودن آثار تکوینی امام باطل است؛ زیرا اندیشمندان امامیه از طریق عقلی و نقلی به اثبات فوائد تکوینی امام پرداخته‌اند.

یکی از آثار تکوینی وجود امام، وساطت فیض است. بهترین راه معرفت نسبت به جایگاه و مقام امام (ع)، شناخت ایشان از طریق کلام معصومین (ع) است. روایاتی که درباره مقام و جایگاه تکوینی امام در عالم و واسطه فیض بودن ایشان وارد شده است مختلف است؛ در برخی روایات به صورت کلی به جایگاه و مقام وساطت امام اشاره شده است و در برخی دیگر، به صورت تفصیلی مواردی که به واسطه وجود امام در عالم انجام می‌شود، نام برده شده است؛ از جمله روایات دسته اول می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

(۱) محمد بن فضل گوید: به امام رضا (ع) گفتم: آیا زمین بدون امام باقی خواهد ماند؟ فرمود: خیر، گفتم: از امام صادق (ع) به ما روایتی رسیده که زمین بدون امام باقی نخواهد ماند جز آنکه خداوند بر اهل زمین و یا بر بندگان خشم گیرد، فرمود: «اگر بدون امام باقی بماند فرو خواهد رفت». (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱: ۲۰۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۹)

(۲) حسن بن زیاد می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: «زمین از آنکه در آن (حجتی) عالمی باشد خالی نیست، زمین را هیچ چیز جز او به صلاح نمی‌آورد و مردم را جز او اصلاح نمی‌کند». (همان، ۲۰۳)

(۳) سلیمان جعفری می‌گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم: آیا زمین بدون حجت می‌ماند؟ فرمود: «اگر چشم بر هم زدنی از حجت خالی بماند، اهلش را فرو خواهد برد». (همان، ۲۰۴)

(۴) در روایتی از امام صادق (ع)، ائمه (ع) به عنوان ارکان زمین معرفی شده‌اند. (کافی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۹۶)

(۵) در دعای ندبه آمده است: «کجاست آن وجودی که سبب اتصال بین زمین و آسمان است». (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۷۹)

و از جمله روایاتی که در آنها به صورت تفصیلی، مواردی که به واسطه وجود امام در عالم انجام می‌شود نام برده شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) ابوذر غفاری از رسول گرامی اسلام (ص) نقل کرده که فرمود: «ما



- پایگاه‌های هدایت و پیشوای پرهیزکاران هستیم دعا بوسیله ما مستجاب می‌شود و بلا بوسیله ما دفع می‌گردد. باران از آسمان بوسیله ما می‌بارد». (کوفی، ۱۴۱۰، ۲۵۸)
- (۲) امام باقر (ع) در پاسخ به جابر ابن یزید جعفی درباره وجه احتیاج به نبی و امام، از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل کردند که فرمود: «ایشان معصوم هستند و مرتکب هیچ گونه گناهی نمی‌شوند و نافرمانی خدا را نمی‌کنند و تایید شده از جانب خدا هستند و به راه صلاح هستند. خداوند به سبب ایشان بندگانش را روزی می‌دهد و شهرهایشان را آباد می‌گرداند، و بواسطه ایشان باران می‌باراند و برکات از زمین خارج می‌شود و بواسطه ایشان به گناهکاران مهلت داده می‌شود و در عذاب و عقوبت شان تعجیل نمی‌شود». (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۱: ۱۲۴)
- (۳) امیرالمومنین (ع) فرمود: «خداوند به واسطه ما ابتدا کرد و به واسطه ما به پایان می‌رساند و به سبب ما آنچه را می‌خواهد، محو و یا اثبات می‌سازد. خداوند به وسیله ما روزگار گزنده را دفع می‌نماید و
- به برکت ما باران می‌فرستد». (کوفی، ۱۴۱۰، ۳۶۷)
- (۴) ابی بصیر از خیثمه نقل می‌کند که گفت از حضرت امام محمد باقر (ع) شنیدم که فرمودند: «ما جنب الله هستیم و ما برگزیدگان او هستیم و ما منتخب خدا هستیم و ما تحویل گیرنده میراث انبیا و امینان پروردگار هستیم و ما حجت خدا هستیم و ما ارکان ایمان و پایه های اسلام هستیم ما رحمت خدا بر خلق هستیم. ما کسانی هستیم که خداوند به وسیله ما می‌گشاید و به وسیله ما ختم می‌کند. ما ائمه هدی و چراغ‌های روشنگر تاریکی‌ها و مرکز نور هدایت و ما سابقون و آخرون (که در قرآن یاد شده هستیم) ما پایگاه برافراشته برای مردم هستیم؛ هر که به ما تمسک جوید به ما ملحق شود و هر که از ما تخلف ورزد غرق می‌شود». (صفار، ۱۴۰۴، ۶۳)
- همچنین در زیارت جامعه کبیره که از زیارات معتبر امامیه به حساب می‌آید، این مضامین به صورت فراوان وجود دارد.
- روایات ذکر شده تنها نمونه‌ای از اخبار وارد شده در این باره است که به علت رعایت اختصار، به همین اندازه اکتفا می‌شود و طالب بیش از آن، می‌تواند به

منابع روایی مراجعه کند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۸۶؛ همو، ۱۳۹۵، ۱: ۲۰۱-۲۱۰)

ذکر این نکته لازم است که برخی حکما با استفاده از ادله عقلی، به اثبات ضرورت وجود واسطه در پیدایش و خلقت موجودات و دوام و بقای آنها پرداخته‌اند و با استناد به برخی روایات، مصداق این واسطه را پیامبر (ص) و ائمه معصومین دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۳۸۳، ۹۹۳، ۴۹۱) ایشان همچنین امام را تحقق بخش هدف خلقت می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۱: ۱۷۵-۱۷۳؛ یوسفیان، ۱۳۹۳، ۷۰) و برای امام در خلقت موجودات نقش غائی قائل شده‌اند و امام را محور خلقت می‌دانند. برخی اندیشمندان نیز با استناد به روایات و ادعیه، قائل به نقش فاعلی امام در نظام آفرینش شده‌اند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۸، ۳۰-۷).

از آنچه ذکر شد، روشن می‌گردد که ادعای ممکن نبودن اثبات آثار تکوینی و وجودی امام، ادعایی بی اساس است.

اما درباره ذکر برخی مثال‌ها مانند حادثه طیس و سوء استفاده از عدم انتساب یقینی آن‌ها به تصرف امام زمان (ع) باید بگوییم: اولاً اگر چه انتساب این حوادث

جزئی به صورت یقینی به تصرف امام زمان (عج) احراز نشده است؛ لکن، باید توجه داشت که عدم انتساب آن‌ها به تصرف امام زمان (عج) نیز مسلم و یقینی نیست. ثانیاً خدشه در انتساب يك مثال کذایی به تصرف امام زمان (عج)، صدمه به اصل مدعای برهانی، یعنی واسطه فیض بودن امام، نمی‌زند.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، نتایج ذیل به دست آمد:

- نصب امام لطف است. لطف بر خداوند واجب است. در نتیجه، نصب امام بر خداوند واجب است.

- لطف بودن امام، با غیبت امام زمان (ع) ناسازگار نیست؛ زیرا از طرفی لطف بودن امام و نصب او از طرف خداوند است و از طرف دیگر، پذیرش ایشان از سوی مردم مطرح است.

لطف بودن امام، با تعیین ایشان توسط خداوند متعال حاصل می‌شود. اما در صورت عدم آمادگی مردم و عدم پذیرش ایشان، امام، ظاهر نمی‌شود.

- غیبت امام عصر (ع)، به معنای عدم وجود ایشان نیست؛ بلکه به معنای عدم ظهور عمومی برای همگان است. از این رو، در صورتی که یکی از شئون و فوائد امام (مثل تشکیل حکومت و برقراری عدالت)، به هر دلیل منتفی شود، مردم از سایر برکات وجودی ایشان مثل بقاء و استمرار نظام خلقت به سبب او، واسطه فیض بودن، دفع بلا به وسیله ایشان و... همچون خورشید پشت ابر بهره‌مند هستند.

- امام دارای شئون تکوینی و تشریحی فراوانی است که برخی از طریق عقل و برخی نیز به وسیله نقل به اثبات می‌رسند.

#### ملاحظات اخلاقی:

**حامی مالی:** این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.  
**تعارض منافع:** طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.  
**برگرفته از پایان نامه/رساله:** این مقاله برگرفته از پایان نامه/رساله نبوده است.

## منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الامالی، کتابچی، تهران.
  - ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ش، علل الشرایع، کتاب فروشی داوری، قم.
  - ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه، تهران.
  - ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹ق، المزار الكبير، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
  - ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت، ۱۴۱۳ق، المياقوت في علم الکلام، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
  - ابن أبي زینب، محمد بن ابراهیم، الغيبة (للنعماني)، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
  - الهی نژاد، حسین، ۱۳۸۸ش، برهان لطف و غیبت، فصلنامه علمی-تخصصی انتظار موعود، سال ۹، زمستان، شماره ۳۱.
  - ایچی، میرسید شریف، ۱۳۲۵ق، شرح المواقف، اول، الشریف الرضی، قم.
  - بحرانی، ابن میثم، ۱۴۱۷ق، النجاة في القيامة في تحقيق أمر الإمامة، مجمع الفكر الإسلامي، قم.
  - بحرانی، ابن میثم، ۱۴۰۶ق، قواعد المرام في علم الکلام، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم.
  - تفتازانی، سعدالدین، ۱۴۰۹ق، شرح المقاصد، الشریف الرضی، قم.
  - تفتازانی، شرح العقائد النسفية، ۱۴۰۷ق، مكتبة الكليات الأزهرية، قاهره.
  - جوادي آملي، عبد الله، ۱۳۸۸ش، امام مهدي (ع) موجود موعود، مركز نشر اسراء، قم.
  - حسيني، سيد جواد، ۱۳۹۰ش، چهل شباهت امام معصوم (ع) با خورشيد، دليل ما، قم.
  - حلبی، ابوالصلاح، ۱۴۰۴ق، تقریب المعارف، انتشارات الهادي، قم.
  - خرازي، سيد محسن، ۱۴۱۷ق، بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية، مؤسسة النشر الإسلامي، قم.
  - خواجه نصير الدين طوسی، ۱۴۰۵ق، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، دار الأضواء، بيروت.
  - رازی، فخرالدین، ۱۹۸۶م، الأربعین في أصول المدين، مكتبة الكليات الأزهرية، قاهره.
  - رباني گلپایگانی، علي، ۱۳۸۱ش، «قاعده لطف و وجوب امامت»، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظار موعود، شماره ۵.
  - رباني گلپایگانی، علي، ۱۳۸۸ش، «نقش

- فاعلي امام در نظام آفرینش»، فصلنامه علمی-ترویجی انتظار موعود، پائیز، شماره ۴۶.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۶ش، امامت در بینش اسلامی، موسسه بوستان کتاب، قم.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۶ش، سیمای عقاید شیعه، ترجمه جواد محدثی، نشر مشعر، تهران.
- سبزواری، ملاهادی، ۱۳۸۳ش، اسرار الحکم، مطبوعات دینی، قم.
- سید مرتضی، ۱۴۱۱ق، للذخیره فی علم الکلام، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
- سید مرتضی، ۱۴۱۰ق، الشافی فی الامامة، موسسه امام صادق(ع)، تهران.
- سید مرتضی، ۱۴۱۹ق، المقنع فی الغیبة، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم.
- شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق، کتاب الغیبة، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم.
- شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل الجارودیة، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم.
- شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، النکت الاعتقادیة، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم.
- شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دار الأضواء، بیروت.
- شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، الرسائل العشر، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
- شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، العقائد الجعفریة، مکتب النشر الإسلامی، قم.
- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم.
- صمدی، قنبرعلی، امام حیّ غائب؛ پژوهشی پیرامون وجود، غیبت و مدیریت امام زمان (ع)، اول، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، قم، ۱۳۹۷ش.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، مکتبه النشر الإسلامی، قم.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۸ش، شیعه در اسلام، دفتر نشر اسلامی، قم.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، ۱۴۰۷ق، تجرید الاعتقاد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- علامه حلی، ۱۳۸۲ش، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مؤسسه امام صادق (ع)، قم.
- علامه حلی، ۱۴۱۵ق، مناهج الیقین فی أصول الدین، اول، دار الأسوة، تهران.
- علامه مجلسی، بی تا، حق الیقین، انتشارات اسلامیة، بی جا.
- فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، اللوامع الإلهیة فی

- المباحث الكلامية، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- قاضی عبد الجبار، قوام الدین مانکدیم، ۱۴۲۲ق، شرح الاصول الخمسة، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- قربانی، مهدی، ۱۴۳۱ش، «آثار و برکات امام زمان در دوران غیبت»، ماهنامه امام شناسی، سال سوم، شماره ۲۳.
- قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، سوم، دارالکتاب، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات کوفی، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، تهران.
- کهرمی، مرتضی، ۱۳۹۴ش، دفاع بنیادین از روایات مهدویت، انتشارات هاتف، مشهد.
- لاهیجی، فیاض، ۱۳۷۲ش، سرمایه ایمان
- در اصول اعتقادات، الزهراء، تهران.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۲۳ق، زاد المعاد، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
- محمد حسین آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۳ق، اصل الشيعة و اصولها، چهارم، مؤسسة الأعلمی، بیروت.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۷ش، راه و راهنما شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
- مظفر، محمدحسین، ۱۴۲۲ق، دلائل الصدق، مؤسسة آل البيت (ع)، قم.
- مقدس اردبیلی، احمد، ۱۴۱۹ق، الحاشیة علی الهیات الشرح الجدید للتجريد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- نیکوئی، حجت الله، بی تا، تئوری امامت در ترازوی نقد، بی جا.
- یوسفیان، مهدی، ۱۳۹۳ش، «نقش امام در نظام آفرینش»، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۴۶.